

## مقدمه

در بین همه مخلوقات خداوند انسان ویژگی‌های متفاوتی دارد و از صفات منحصر به فردی برخوردار است. علاوه بر قوای فکر و اندیشه، حلم و بردباری، صبر و شکیبایی از احساسات ویژه و فراوان نیز برخوردار است، که دیگر مخلوقات خداوند از آن بهره‌ای ندارند. از آن جمله حسن زیباجویی و مطلق طلبی، حسن همدردی و همنوایی، مساوات و عدالت خواهی و ده‌ها ویژگی دیگر است.

در بین این همه صفت و احساس، حس زیبایی طلبی انسان بیش از همه خود را نشان می‌دهد و دامنه وسیع‌تری نسبت به دیگر موارد در گستره حیات بشری دارد. علاوه زیر شاخه‌های فراوانی را نیز به خود اختصاص داده است. این حسن باعث شده است که انسان در اطراف خود به کنکاش و جستجو پردازد و حسن کنجکاوی خود را نیز در خدمت یافتن بهترین الگوی و زیباترین روش‌ها و متدها درآورد.

الگوپذیری برآیند حس زیبایی خواهی انسان و حسن زیبایی خواهی خود زیر مجموعه و برآینده مطلق طلبی و مطلق جوئی بشر است. خالق هستی که به بشر وجود و هستی بخشیده، با علم به تمام صفات و ویژگی‌های آن، راه تعالی و وصول به هدف خلقت را که قطعاً عبودیت محض است،<sup>۱</sup> در کتاب انسان ساز و راهنمای هدایت یعنی قرآن حکیم تبیین نموده و بشر را به استفاده از این حس یعنی الگوپذیری تشویق و ترغیب کرده است و در این راستا الگوهای کاملی را برای تأسی بدن‌ها توسط آحاد بشر مشخص و معین کرده و امر به اقتداء و تأسی

---

<sup>۱</sup> قرآن کریم، سوره زاریات، آیات ۵۶-۵۸.

فرموده است<sup>۱</sup> بروز رفتارهای بشر می‌تواند به شکل زشت یا زیبا باشد و اگر کسی رفتارش در هیئت و شکل زیبایی بروز و ظهور پیدا کند در اصطلاح به او مؤدب و کارش را مؤدبانه گویند. در حقیقت ادب هیئت زیبا و ظرافت در عمل انسان است.<sup>۲</sup> بر این اساس است که انسان با حس زیبایی خواهی خود همیشه به دنبال زیباترین اشکال عمل و کسانی که اعمالشان به زیباترین و ظریف‌ترین شکل بروز می‌کنند هستند.

خدای بزرگ الگوهای متعددی به عنوان حجت‌های خود برای همه انسان‌ها معرفی نموده تا با تاسی به آنها اعمال و رفتار خویش را بسنجند و مطابقت دهند.<sup>۳</sup> این گروه از حجت‌های خداوند پیامبران الهی انبیاء هر زمان هستند که به عنوان امامان و الگوهای رفتاری بشر می‌باشد و اولین آنها حضرت آدم(ع) و آخرین آنها نیز حضرت محمد(ص) می‌باشد.<sup>۴</sup> ناگفته نماند همه انبیاء الهی موظف بوده‌اند رفتارهای پیامبران قبل از خود را سرمشق خود قرار دهند و به آنها اقتداء نمایند و مردم نیز موظفند رفتار و اعمال انبیاء گذشته و زمان خود را سرلوحه خود قرار دهند.

تحقیق پیش رو بر آن است که علاوه بر تبیین جایگاه ادب از حیث لغت و گستره آن در رفتارهای اجتماعی به میزان تأثیر رعایت آن در تربیت فرد، خانواده و اجتماع پرداخته و در پایان الگوی بارز بشری از نگاه قرآن را معرفی نماید. لذا در چهار فصل تنظیم گردید:

فصل اول: کلیات: شامل:

۱- تعاریف (بررسی واژه‌های ادب، الگو و اخلاق)

۲- تعریف موضوع

۳- اهمیت موضوع

۴- پرسش‌های اصلی و فرعی

---

<sup>۱</sup>. انعام / ۸۳-۹۰.

<sup>۲</sup>. محمدحسین طباطبائی، **المیزان** (تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲)، ج ۶، ص ۲۷۳.

<sup>۳</sup>. انعام / ۸۳-۹۰.

<sup>۴</sup> - احزاب / ۲۱.

- ۵- فرضیه‌ها
- ۶- روش تحقیق و پیشینه آن
- فصل دوم: گستره ادب: شامل:
- الف: خاستگاه ادب
- ب: نسبت ادب و اخلاق
- ج: ادب در روایات رسول خدا(ص) و ائمه هدی(ع)
- د: ادب در حوزه عرفان
- ه: ادب در حوزه فلسفه
- و: ادب در حوزه فقه
- فصل سوم: نقش ادب در زندگی فردی و اجتماعی از منظر قرآن: شامل:
- ۱- ادب برترین سرمایه
- ۲- ادب در گفتار
- ۳- ادب تحیت و سلام
- ۴- ادب در پاسخگویی به تحیت دیگران
- ۵- سلام بارزترین شکل بروز ادب
- ۶- آداب مهمانی
- ۷- ادب در مقابل پدر و مادر
- ۸- ادب ارتباط با خویشاوندان
- ۹- ادب در برخورد با همسایه
- ۱۰- ادب درخواست کردن (سؤال)
- ۱۱- ادب در سازگاری قول با عمل
- ۱۲- مهرورزی به مؤمنان
- ۱۳- نجوا
- ۱۴- آداب حضور پیامبر(ص)

- ۱۵- ادب آموزی لقمان از زبان قرآن  
فصل چهارم: الگوهای بارز ادب در قرآن: شامل
- ۱- ویژگی مهم الگوهای تربیت
  - ۲- الگوهای ادب
  - ۳- پیامبران تربیت یافتگان مکتب توحید
- الف: عدم تکلف  
ب: استفاده از رزق حلال و پاک  
ج: ادب انبیاء در ستایش خدا  
د: ادب انبیاء در اطاعت
- ه: ادب انبیاء در دعا کردن، نفرین، شکایت و تعلیم مردم

# فصل اول:

## کلیات

## بیان مسأله تحقیق

### الف) ادب

ادب واژه‌ای است عربی به معنای خواندن و به همین جهت، عرب به کسی که مردم را دعوت می‌کند به خوردن غذا «آدب» می‌گوید و به سفره‌ای که با غذاهای رنگارنگ آراسته شده و مردم به سوی آن دعوت می‌شوند «مأذبه و مأذبه» گفته می‌شود. ابن منظور می‌گوید: ادب چیزی است که «ادیب» از مردم دریافت می‌کند و ادب گفته شده به خاطر اینکه مردم را به سوی خوبی‌ها می‌خواند و از بدی‌ها نهی می‌کند و اصل «آدب» دعا و خواندن است و به خاطر همین است که به چیزی که برای مردم فراهم شده و آنها را به سوی آن دعوت می‌کنند «مدعا» و مأذبه» گویند. و همو می‌گوید: ادب به دو بخش «ادب النفس و ادب الدرس» تقسیم می‌شود و همچنین ادب ظرف است و معنی آن نیکو تناول کردن است و اگر ادب به باب تفعیل برود «آذّب، فتأذّب» به معنی علم فتعلم می‌باشد.<sup>۱</sup>

علامه دهخدا در این خصوص می‌گوید: ادب به دو معنی است پرهیخت و دانش و جمع آن آداب و معرب از فارسی است علم الادب عبارت از ده علم است: (۱) علم اللغه (۲) علم التصریف (۳) علم النحو (۴) علم المعانی (۵) علم البیان (۶) علم البدیع (۷) علم العروض (۸) علم القوافی (۹) علم قوانین الخط (۱۰) علم قوانین قرائت و موارد فوق علوم است که به انسان کمک می‌کند تا بدان خود را از خلل در کلام نگاهدارد و حکیمانه و ادیبانه سخن بگوید. اما در خصوص پرهیختگی: ادب طریقه‌ای است که پسندیده و صلاح باشد. اخلاق حسنه، فضیلت، مردمی، حسن احوال در قیام و فعود و حسن اخلاق و اجتماع خصال حمیده.

<sup>۱</sup> ابن منظور، لسان العرب (بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ هـ.ق)، ج ۴، ص ۱۹۲.

سلطان معظم ملک عادل مسعود      کمتر ادبش حلم و فروتن هنرش جود

«منوچهری»

در توضیح بهتر علامه دهخدا با استفاده از بیان قدما می‌گوید: در تعریف و تحدید ادب اصطلاحی، عبارات ادبای متقدمین مختلف است.<sup>۱</sup> بعضی گویند: ادب عبارت است از هر ریاضت ستوده که به واسطه آن انسان به فضیلتی آراسته می‌گردد و این معنی منقول از معنی لغوی تأدیب و تأدب است که در آنها ریاضت اخلاقی مأخوذ است<sup>۲</sup> و برخی گویند: ادب عبارت است از شناسائی چیزی که به توسط آن احتراز می‌شود از تمام انواع خطا<sup>۳</sup>. و این معنی عرفی منقول از ادب به معنی حذاقت و یا براعت و ذکاء قلب و امثال آنهاست و برخی دیگر ادب را ملکه‌ای که صاحبش را از ناشایستی‌ها حفظ می‌کند<sup>۴</sup> تعریف نموده‌اند و اما علم ادب یا سخن سنجیده در اصطلاح قدما عبارت بوده است از:

معرفت با حوال نظم و نثر از حیث درستی و نادرستی و خوبی و بدی و مراتب آن<sup>۵</sup> و بعضی دیگر علم ادب را چنین تعریف نموده‌اند: علم ادب علمی است صناعی که اسالیب مختلفه کلام بلیغ در هر یک از حالات خود به توسط آن شناخته می‌شود<sup>۶</sup> تعریف علم ادب بنابر مسلک قدما شامل اکثر علوم عربیه بوده است یعنی هشت و ده و بعضی بیشتر داشته‌اند.<sup>۷</sup> همچنین دایمی الاسلام در ذیل واژه ادب می‌گوید: رفتارها و حرکات خوب کسی نسبت به دیگران به طوری که همه از آن خوشحال شوند مثال فلان خیلی با ادب است، جمع آداب و ادب‌ها<sup>۸</sup>.

۱. علی‌اکبر دهخدا، لغت نامه (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷)، ج ۱، ماده ادب.

۲. الوسیط، معیار اللغه، ج ۱ ص ۶۱

۳. احمدهاشمی، جواهر الادب (قاهره: المکتبه التجاریه الکبری، ۱۳۸۵هـ.ق)، ص ۸

۴. دائره المعارف باستانی (بی‌جا: [بی‌نا]، [بی‌تا]).

۵. زکاء الملک، تاریخ ادبیات (بی‌جا: [بی‌نا]، [بی‌تا])، ص ۲۴.

۶. احمدهاشمی، جواهر الادب، پیشین، ص ۸

۷. الوسیط، معیار اللغه، پیشین، ج ۱ ص ۶۱

۸. سیدمحمد داعی الاسلام، فرهنگ نظام (تهران: [بی‌نا]، ۱۳۶۲)، ج ۲، ص ۱۳۲.

بنابراین با بررسی و معنی شناسی کلمه ادب از نظر اصحاب لغت و مفسران می‌توان چنین برداشت نمود که: ادب هیئت زیبا و پسندیده‌ای است که طبع و سلیقه بشر آن را بپذیرد و شایسته بداند که هر عمل مشروعی چه دینی باشد مانند دعا؛ عبادت؛ اطاعت و عدالت و چه مشروع عقلی باشد مانند دیدار دوستان و بستگان و روابط عمومی انسان‌ها با یکدیگر بر طبق آن هیئت زیبا و پسندیده صورت گیرد و به تعبیر مرحوم علامه طباطبائی در المیزان، «ادب ظرافت در عمل است»<sup>۱</sup> به این معنی که عمل انسان‌ها وقتی ظریف و زیبا جلوه می‌کند که اولاً: از نظر شرع مقدس اسلام منع نشده باشد. بر این اساس در ظلم، دروغ و خیانت و کارهای شنیع و قبیح، ادب معنی ندارد. ثانیاً: عمل انسان اختیاری باشد و در آن اجبار و الزام نباشد به این معنی که انسان مختار باشد در چند هیئت و شکل آن را انجام دهد و شخص با اختیار خود آن را به صورتی انجام دهد که طبع و سلیقه بشری آن را بپذیرد و شایسته بداند. مثلاً ادب غذا خوردن در اسلام اگر چه انسان می‌تواند با اختیار خود خوابیده، نشسته و ایستاده انجام دهد اما اسلام ادب را در آن می‌داند که، کسی که می‌خواهد غذا تناول کند روی زمین بنشیند در حالی که قبل از غذا دست‌های خود را شسته باشد و بسم الله بگوید و شروع کند، لقمه کوچک بردارد، خوب بجود، از جلو خودش غذا بردارد، نگاهش پائین و به دیگران نگاه نکند، عجله ننماید و قبل از سیری کامل عقب بنشیند و در پایان الحمدالله بگوید و دستهایش را نیز بشوید. نکته قابل توجه اینکه شاید سؤال شود ظرافت و زیبایی عمل ممکن است نزد افکار و اندیشه‌های جوامع مختلف متفاوت باشد. ممکن است هیئت انجام عملی در جامعه‌ای زیبا و پسندیده باشد ولی در جامعه دیگر منفور و مذموم.

در پاسخ این سؤال می‌توان گفت که فطرت بشر از ابتدا تا انتها بر یک منوال خلق شده است و غرض از حیات نیز یک چیز بیشتر نیست و آن عبادت و معرفت معبود است و زیبایی در غرض حیات لحاظ شده و در اصل آن بین جوامع مختلف اختلافی نیست لکن در مصادیق آن به لحاظ آموزه‌های جنبی جامعه اختلافاتی حاصل می‌شود که این اختلافات گاهی به حسب

---

<sup>۱</sup> محمدحسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، پیشین، ج ۶، ص ۲۷۳.



اختلاف اقوام، امت‌ها، ملت‌ها، ادیان و مذاهب و حتی ممکن است در جوامع کوچکتری مثل شهرها و روستاها نیز بروز کند.

بنابراین امت‌ها و ملت‌ها در تشخیص حسن و قبح اختلاف دارند و این تشخیص حسن و قبح باعث اختلاف در آداب و افعال آنها شده‌است. گاهی ممکن است عملی با هیئت خاص در بین مردم یک جامعه حسن، پسندیده و مقبول باشد در حالی که افراد جامعه مجاور، آن را نشناسد و یا خلاف آن را حسن، پسندیده و مقبول شمارد. مهمتر اینکه ممکن است بعضی از آداب و رسوم در جامعه‌ای پسندیده باشد در حالی که در جامعه دیگر جزء اعمال شنیع و مذموم باشد مثلاً آداب برخورد و ملاقات در اسلام به گفتن سلام و تحیه است در حالی که در جوامع اروپائی به برداشتن کلاه و در جوامع شرقی مثل چین و ژاپن به بالا گرفتن لباس، سجده کردن و نشستن بصورت نیم خیز و... می‌باشد.

روشن است که هیئت و شکل سلام و احترام در ملاقات‌ها در بعضی از کشورها ممکن است از نظر اسلام و مسلمانان مذموم و شنیع و گاهی منهی باشد در حالی که در آن کشورها کاملاً پسندیده است. روشن است که همه اختلافات فوق ناشی از تشخیص مصداق است نه اصل ادب چون ادب همان گونه که گذشت: «هیئت زیبایی است که سزاوار است عمل انسان بر آن هیئت و شکل و شمائل باشد و آن چیزی است که عقلای از انسان‌ها بر آن اتفاق نظر دارند و حتی دو نفر در آن اختلاف ندارند»<sup>۱</sup>

## ب) الگو

الگو از نظر لغت به سنبل، مدل و سرمشق اطلاق می‌شود، در این خصوص علامه دهخدا می‌گوید: الگو، روبر، مدل، سرمشق، مقتدی، اسوه و قدوه مثال و نمونه است.<sup>۲</sup>

بر این اساس الگو «راهنمای» کسی است که راه و رسم و روش عمل را نمی‌داند. لذا به او کمک می‌کند تا براساس آن حرکت کند و به هدف واقعی خود برسد. معادل‌های الگو در زبان

---

<sup>۱</sup>. همان.

<sup>۲</sup>. علی‌اکبر دهخدا، لغت نامه، پیشین، ج ۳، ماده الگو، ص ۳۲۴۸.

عربی نیز اسوه و قدوه است و با عنایت به این که هدف ما استفاده از آیات نورانی قرآن است لازم است تا دو واژه اسوه و قدوه، نیز به اختصار بررسی شود تا فهم بهتر آیات فراهم گردد.

واژه اسوه از ریشه (ا س و) و بنابر آنچه راغب اصفهانی می‌گوید: الأُسُوهُ و الاسُوهُ مانند قُدُوهُ و قدوه به حالتی گفته می‌شود که انسان در آن حالت از غیر خودش تبعیت می‌کند چه اینکه این حالت نیکو باشد یا قبیح، مفید باشد یا مُضَرّ و شاهد بر مطلب این که خدای سبحان فرمود: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ»<sup>۱</sup> و توصیف نمود اسوه و حالت را به «حسنه» تا مبادا کسی غیر آن را تلقی کند و همچنین گفته می‌شود «تَأْسَيْتُ بِهِ» یعنی به او اقتدا کردم.<sup>۲</sup>

علامه طباطبائی نیز در این خصوص می‌گوید: اسوه همان قدوه به معنای اقتداء و تبعیت کردن است و قول خداوند (فِي رَسُولِ اللَّهِ) یعنی در مورد رسول خدا و اسوه در مورد رسول خدا یعنی تأسی به آن بزرگوار و تبعیت از او.<sup>۳</sup>

همچنین شیخ طوسی در ذیل آیه «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» می‌گوید: و این خطاب از خدای متعال به همه مکلفین است که به رسول خدا در فعل و قول اقتدای نیکو کنید و زمانی که همانند او عمل کنید نیکو خواهد بود و مراد خداوند از اقتدا این است که مؤمنان در جهاد و صبر بر مشکلات جنگ و مقاومت و دعوت به صبر در شداید آن مثل رسول خدا باشند پس رسول خدا در جنگ احد سر مبارکش شکافت و دندان مبارکش شکست و حمزه عموی گرامی آن حضرت به شهادت رسید اما حضرت رسول (ص) صبر و

---

۱. احزاب / ۲۱.

۲. الراغب الاصفهانی، المفردات فی غریب القرآن (مصر: دفتر نشر الكتاب، ۱۴۰۴هـ ق)، ماده ا س و.

۳. محمدحسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، پیشین، ج ۱۶، ص ۲۸۹.

۴. احزاب / ۲۱.

تحمل نمود بنابراین تأسی به رسول خدا در تمام امور فوق از «أُسُوَّةٌ حَسَنَةٌ» است و این آیه بر اقتدا به همه امور نیکوی رسول خدا (ص) دلالت دارد.<sup>۱</sup>

بنابر آنچه گذشت «اسوه و قدوه» در زبان عربی دو واژه معادل الگو از زبان فارسی است و اسوه حالتی است از صاحبش که غیر او به او اقتدا می‌کند و به خوبی روشن است که اسوه و الگو بودن برای غیر خود در میان انسان‌ها رایج است و کسی که به خوبی‌های دیگران تأسی کند و از آن الگو برداری نماید کارش مثل او خواهد بود.

### ج) اخلاق

اخلاق از ریشه (خ ل ق) به معنی «اندازه گرفتن صحیح و درست» و در ابداع چیزی، استعمال می‌شود. راغت در مقررات می‌گوید: اصل در (خ ل ق) «تقديرالمستقیم» یعنی اندازه گرفتن دقیق و صحیح است ولی در معنی ابداع چیزی به کار می‌رود، «خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ»<sup>۲</sup> یعنی «أبدَ عهْمًا» چون خدا فرمود:

«بَدِيعُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ»<sup>۳</sup> و خَلَقَ و خُلِقَ در اصل یکی است مثل شَرِبَ و شُرِبَ جز اینکه خَلَقَ به حالت فیزیکی اشیاء که قابل دیدن است اطلاق می‌شود و خُلِقَ به قوی و سجایای اخلاقی که با درک عقلی قابل فهم است. خداوند فرمود: «وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ

۱. ابوجعفر محمد بن الحسن الطوسی، البیان فی التفسیر القرآن (بی‌جا): انتشارات مکتب الاعلام الاسلامی،

۱۴۰۹هـ ق، ج ۸، ص ۳۲۸.

۲. انعام / ۷۳.

۳. انعام / ۱۰۱.

عَظِيمٍ<sup>۱</sup> و خلاق به آنچه که انسان از فضیلت‌ها کسب می‌کند گفته می‌شود. قرآن می‌فرماید:»

وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلْقٍ<sup>۲</sup> و در آخرت هیچ بهره‌ای برای او نیست.<sup>۳</sup>

ابن منظور در معنی شناسی واژه خلق می‌گوید:... ریشه و اصل در معنی «خلق» اندازه گرفتن است و باعتبار اندازه و مقداری که برای شی از وجود، لحاظ می‌شود واژه خلق به کار می‌رود. و خلق در کلام عرب: اختراع و ایجاد شی به شکلی است که قبلاً وجود نداشته است و هر چیزی را خدا خلق نمود، یعنی در بدو امر خداوند آن را به شکلی آفرید که هیچ کس بر او سبقت نگرفته بود.<sup>۴</sup>

«در ادبیات فارسی خلق به این معنی اختراع و خالق آن مخترع نامیده می‌شود» «إِنَّ

رَبُّكُمْ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ

يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ<sup>۵</sup>

أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ<sup>۶</sup> تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ<sup>۷</sup>. و در قرآن کریم آمده است «وَإِنَّكَ

لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ<sup>۸</sup> جمع خلق اخلاق است و خلق و خُلُق به معنی سجیه است.

«خُلُق» با ضم لام و سکون آن همان دین، طبع و سجیه است و حقیقت آن این است که انسان دارای یک باطن است و آن نفس او همراه با صفات مخصوصه آن است که به منزله صورت باطنی انسان و همچنین یک ظاهر است که صورت ظاهری انسان با صفات مخصوص

۱. قلم / ۴.

۲. بقره / ۲۰۰.

۳. الراغب الاصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، پیشین، ماده خلق.

۴. ابن منظور، لسان العرب، پیشین، ج ۴، ص ۱۹۲.

۵. اعراف / ۵۴.

۶. قلم / ۴.

می‌باشد و برای هر یک از صور ظاهری و باطنی انسان صفات حسنه و قبیحه‌ای است و توابع و عقاب بیشتر به صفات باطنی انسان تعلق دارد و بر همین اساس است که روایات فراوانی بر حسن خلق تأکید دارد مثل: کاملترین مؤمنان از نظر ایمان نیکو خلق‌ترین آنهاست و اینکه نبی اکرم (ص) مأموریت اصلی در بعثت خود را تتمم مکارم اخلاق می‌داند.<sup>۱</sup> و همچنین در مذمت سوء خلق نیز روایات فراوان وارد شده است.<sup>۲</sup>

از ریشه خلق گاهی در باب تفعیل «تَخَلَّقَ» می‌آید مثل «تَجَمَّلَ» یعنی آشکار کردن زیبایی تأویل آن آشکار کردن است و گاهی گفته می‌شود «فَلَانٌ يَتَخَلَّقُ بِغَيْرِ خُلْفَةٍ» یعنی خودش را به تکلف می‌اندازد و آنچه باطن او نیست را ظاهر می‌کند و تظاهر به حسن خلق می‌نماید. مرحوم علامه طباطبائی در آیه شریفه «انك لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ» ضمن نقل بیان راغب در مفردات می‌گوید: خُلُقٌ ملکه نفسانی است که از آن کارها به سهولت و آسانی صادر می‌شود و بر دو قسم است فضیلت و رذیلت، خلق فضیلت که ممدوح است مثل عفت و شجاعت و خلق رذیلت که مذموم است مثل شراره و ترس اما زمانی که واژه خلق مطلق و بدون قید و وصف بیاید از آن خلق نیکو (فضیلت) فهمیده می‌شود.<sup>۳</sup>

## اهداف تحقیق

موضوع بحث در این نوشته «ادب و الگوهای برتر آن از منظر قرآن» است، در آغاز ماهیت ادب بررسی شده است که در بحث واژه‌ها به ریشه آن از نظر لغت و بیان بعضی از مفسرین اشاره شد. و آن زیباترین شکل بروز عمل انسانهاست. ظهور و بروز عمل انسانها می‌تواند در قالب‌ها و اشکال گوناگون باشد. لذا منظور ادب در این رساله زیباترین شکل اعمال و رفتار، کردار و گفتار افراد جامعه است و در ادامه لازم است تا به موضوع الگوهای ارائه شده از ادب

---

<sup>۱</sup>. انما بعثت لأتمم مكارم الاخلاق، ر.ك: علاء‌الدین علی المتقی، **كنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال** (بیروت: مکتبه التراث الاسلامی، ۱۳۸۹هـ.ق.)، روایت ۵۲۱۷.

<sup>۲</sup>. ابن منظور، **لسان العرب**، پیشین، ج ۴، ص ۱۹۲.

<sup>۳</sup>. محمدحسین طباطبائی، **المیزان**، پیشین، ج ۲۰، ص ۲۷.

از طرف قرآن پرداخته شود و در این مرحله تلاش می‌شود تا انسان‌های پاک و وارسته‌ای که اعمال و رفتار و گفتار خود را در زیباترین و مطلوب‌ترین شکل ارائه نموده‌اند و خداوند بر چگونگی اعمال آنها صحنه گذارده و آنها را به عنوان الگو، مقتدی امام و رهبر معرفی نموده و دستور داده به همه انسان‌ها عموماً و مؤمنان و پرهیزکاران خصوصاً چگونگی بروز اعمال خود را در جامعه مطابق اعمال آنها نموده و در حقیقت به آنها تأسی و اقتداء نمایند، را معرفی نمائیم.

### اهمیت تحقیق

ادب و ویژگی و صفتی است که آراستگی آحاد جامعه به آن فوق‌العاده مهم است، به طوری که انسان با ادب که همه کارها، رفتار، حرکات و سکناش آراسته به ادب است مطلوب و محذوب همه جامعه است و در محیط منزل و خانواده، کار و مدرسه و دانشگاه و در نهایت تمام مکان‌ها و زمان‌ها به نیکی از او یاد شده و همه آرزومند حشر و نشر با او هستند. عکس آن نیز صادق است. یعنی اگر کسی در امور زندگی، حرکات و سکنا، برخوردها و مراودات و معاملاتش همه از ادب تهی بود موجب انزجار همگان از او می‌شود و به طور طبیعی آحاد جامعه از حضور او، ملاقات و همراهی و حشر و نشر او فراری هستند.

بر این اساس شناخت اصول ادب در رفتار و نحوه مزین کردن عمل به ادب از اهم لوازم زندگی شرافت‌مندانه است همه انسان‌های فهیم و عاقل جامعه علاقمندند خود و خانواده و فرزندان خود را مؤدب نموده و با افتخار بگویند خود و خانواده ما همه کارهایشان مؤدبانه است. لذا نگاه به این موضوع از این منظر اهمیت فوق‌العاده بحث را روشن می‌کند که لازمه جدی تأدیب جامعه، آگاهی آن است و آگاهی جز با تحقیق و پژوهش حول محور موضوع ارائه شده و تبیین موضوع از هر جهت و ارائه الگوهای بارز آن و تعلیم آحاد جامعه به تعالیم ادب و اصرار و پافشاری بر عمل بر اساس اصول شناخته شده تا اینکه با گذشت زمان به فرهنگ تبدیل شود امکان پذیر نخواهد بود.

قرآن کریم کتاب هدایت بشر که «هُدًى لِلنَّاسِ»<sup>۱</sup> و «هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ»<sup>۲</sup> است و برای هدایت انسان به سوی الله بر پیامبر خاتم(ص) نازل و دستور «تعلیم حکمت، کتاب و تزکیه»<sup>۳</sup> توسط آن حضرت از سوی خدا صادر شده است. بهترین منبع و مأخذی است که بشر با اطمینان کامل از صحت و اتقان مفاهیم و هدایت‌های آن می‌تواند به بدان تمسک جسته و عمل نماید. بدین جهت در این پژوهش لازم است تا با عنایت به اهمیت موضوع، از قرآن کریم بهره گرفته شود و آیات آن تحلیل گردد.

### سؤالات تحقیق

۱. ادب چیست و هویت آن از نظر قرآن کدام است؟
۲. الگوهای برتر ادب، از نظر قرآن چه ویژگی دارند؟
۳. آیا انسان اساساً الگو پذیر است؟
۴. آیا خداوند در قرآن کریم الگوهای رفتاری برای بشر معرفی نموده؟
۵. آیاتی که به معرفی الگوهای رفتاری پرداخته‌اند کدامند؟
۶. آیا انبیاء الهی(ع) می‌توانند به عنوان الگوهای عملی ادب خداوند از نظر قرآن، برای بشر معرفی شوند؟
۷. غیر از انبیاء الهی چه کسانی به عنوان الگوهای رفتاری در قرآن کریم معرفی شده‌اند؟

### فرضیه‌ها

پژوهش حاضر بر یک فرضیه اصلی مبتنی است و آن این است که خدای بزرگ که انسان را خلق نمود هدفش از خلقت رسیدن انسان به مقام خلافت و جانشینی خود<sup>۴</sup> بود و اسباب

---

<sup>۱</sup>. بقره / ۱۸۵

<sup>۲</sup>. بقره / ۲

<sup>۳</sup>. جمعه / ۲

<sup>۴</sup>. بقره / ۳۰

رسیدن به این مقام را برای بشر فراهم نمود و فرمان حرکت در مسیر مستقیم «صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»<sup>۱</sup> «صِرَاطِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ»<sup>۲</sup> را صادر کرد و برای اینکه مبدا بشر در طول اعصار آتی بگوید رسیدن به آن مقام ممکن نیست الگوهای رفتاری خود را از انبیاء و اوصیاء معرفی کرد همان کسانی که خود اعلام نمودند «أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ»<sup>۳</sup> یعنی من هم بشری مثل شما می‌باشم فقط محل نزول وحی هستم و لاغیر. و لذا همین انسان‌ها و افراد معمولی با عمل بر اساس دستورات خداوند و رعایت ادب به اوج مقام انسانیت که همان «جانشینی خدا» است رسیدند تا جائی که «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ»<sup>۴</sup> شدند و به مقام «فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَىٰ»<sup>۵</sup> رسیدند. و بر این اساس خداوند آنها را به عنوان بهترین الگو و سنبل عملی معرفی نمود «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ»<sup>۶</sup> «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ»<sup>۷</sup>.

بر این اساس فرضیه‌های ذیل مطرح می‌شود:

- اول: ادب ظرافت در عمل است و این ظرافت همان مطلوب خداوند در چگونگی بجا آوردن وظایف و رفتار خالق هستی و مخلوقات اوست.
- دوم: ویژگی الگوهای برتر ادب از نظر قرآن دارا بودن مقام عصمت است.

۱. مؤمنون / ۷۳؛ انعام / ۸۷، ۱۲۶، ۱۶۱

۲. ابراهیم / ۱

۳. کهف / ۱۱۰

۴. نجم / ۳

۵. نجم / ۹

۶. احزاب / ۲۱

۷. ممتحنه / ۴



**سوم:** انسان اساساً الگوپذیر است و در تمام برنامه‌های زندگی خود تلاش می‌کند رفتار و گفتار خود را مطابق الگوهای مطلوبش تنظیم نماید.

**چهارم:** چون خداوند بر احوالات انسان کاملاً آگاه است و قرآن را برای هدایت او فرستاده الگوهای رفتاری متعددی را برای بشر معرفی کرده تا از اعمال، حرکات و سکنت آنها الگوبرداری کند و اعمال خود را بر اعمال آنها تطبیق دهد.

**پنجم:** در قرآن کریم آیاتی وجود دارد که تصریحاً تعدادی از شخصیت‌های بشر را به عنوان رهبر، امام و الگوی عمل معرفی نموده است.

**ششم:** انبیاء الهی اولین و بارزترین الگوهای رفتار بشرند.

**هفتم:** علاوه بر انبیاء که مصونیت آنها از گناه قطعی و می‌توانند الگوی رفتار انسان‌ها باشند، مؤمنان صالح و پرهیزکاران به نامی هستند که در قرآن کریم یا نام آنها برده شده و یا این که تنها به اعمال خداپسندانه آنها اشاره شده و قصد خداوند بیان سرگذشت آنها درس گرفتن از چگونگی رفتار آنهاست.

### **پیشینه تحقیق**

با مراجعه به سایت‌های پژوهشی و اطلاع رسانی، کتابخانه‌ها و مراکز و استادان مطلع و آگاه پیشینه‌ای، با این موضوع یافت نشد. اگر چه موضوعات قریب به این عنوان دو مورد در دانشگاه‌های تهران و آزاد (تهران) موجود است که پس از بررسی آنها معلوم شد هیچکدام بر محور قرآن نیست. علاوه نوشته‌ای که به علاوه بر ادب به و بیان الگوهای رفتاری آن با نگاه قرآن است.

در پایان فصل اول لازم است یادآور شود که:

اهمیت موضوع در فرهنگ سازی دینی و تأدیب آحاد جامعه و فقدان تحقیقی شایسته، مستقل و مناسب در این موضوع و تأکیدات فراوان قرآن کریم و ائمه هدی (ع) و بزرگان دین بر ادب به ویژه و تأدیب فرزندان، خانواده و جامعه ضرورت انجام این تحقیق را اثبات می‌کند و امید است تمام مراکز ذی ربط در به ثمر نشستن زحمات مساعدت نمایند.

## روش تحقیق

روش این تحقیق، کتابخانه‌ای است و با توجه به اینکه عمده منابع مربوط به آن، نوشته‌های قدما، متأخرین و معاصرین می‌باشد برآنیم تا با مراجعه به قرآن و تفاسیر نوشته شده پیرامون آن به خصوص تفاسیری که در خصوص آیات مورد بحث اظهار نظر کرده‌اند و به شرح و بسط و توضیح آن پرداخته‌اند، به جمع بندی نظر و آراء اقدام نموده و انشاءالله با استفاده از هدایت‌های خداوندی و کمک روایات نورانی ائمه(ع) تحقیق حاضر را تکمیل نمائیم در این خصوص قطعاً نظر قدمای از مفسرین گرانقدر نقش عمده را ایفا خواهند نمود اگر چه خود را از مراجعه به آرای مفسرین معاصر همچون علامه شهیر و مفسر کبیر مرحوم آیه‌الله طباطبائی بی نیاز ندانسته و با دقت در اندیشه‌های آن مرحوم مطالعه و مذاقه خواهد شد.

## خلاصه و نتیجه گیری فصل اول

در این فصل مختصراً دانستیم که ادب واژه ای است عربی و در لغت به معنی دعوت کردن و در اصطلاح به کاربردن ظرافت در انجام اعمال است، و الگو در لغت سنبل را گویند و در اصطلاح راهنمای کسی است که نسبت به راه خود جهل دارد و معادل عربی آن اسوه و قدوه است که در قرآن کریم به واژه ی اول اشاره شده است. همچنین دانستیم که اخلاق از خلق در لغت به معنی اندازه گیری صحیح و در اصطلاح به سجایای اخلاقی انسانها که با درک عقلی قابل فهم است اطلاق می شود. هدفی را که این پژوهش دنبال می کند آن است که علاوه بر معرفی زیباترین شکل بروز عمل انسان، الگوها و اسوه های مورد نظر قرآن را نیز معرفی نماید و اهمیت آن در کاربردی بودن نتیجه آن است چون قرآن که هدایتگر مردم و راهنمای پرهیزکاران است کشف راهبرد ارائه شده و الگوهای آن می تواند در رشد و بالندگی جامعه تاثیر بسزایی داشته باشد. این تحقیق به دنبال پاسخگویی آن است که، ادب چیست؟ و آیا انسان ذاتاً الگو پذیر است؟ و الگوهای معرفی شده در قرآن برای بشر کدامند؟ و چه ویژگی هایی باید داشته

باشند؟ همچنین فرضیه های پژوهش شامل : انسان ذاتاً الگو پذیر است و خداوند الگوهای رفتاری مشخصی را در قرآن معرفی نموده که ویژگی عمومی آنها عصمت است و همه پیامبران الگوهای مورد نظر قرآن می باشد. این پژوهش با رویکرد قرآن محوری هیچگونه پیشینه ای ندارد و روش آن کتابخانه ای است.

## فصل دوم

# گستره ی آدب